**فصل سی و هفت**

**از ترجمه محاضرات ایت الله میلانی**

**الزّواج**

**همسران**

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ(روم21) و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودّت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکّر می‌کنند! **زوج در لغت:** راغب در مفردات گفته : کلمه "زوج" به هریک از نر و ماده حیوانات در صورتیکه جفت هم شده باشند اطلاق می شود. همچنانکه به هریک از دو قرین چه حیوان و چه غیر حیوان زوج گفته می شود. خدای تعالی فرمود: "جعل منه الزوجین الذکر و الانثی" خدا از آن دو زوج قرار داده یکی نر و یکی ماده و نیز فرموده: به آدم گفتم که تو و زوجت در بهشت منزل کنید. زوجه به معنی زن است و جمع آن زوجات می شود. در قرآن زوج و ازواج بکار رفته است . زوج در قرآن هم به زن اطلاق شده و هم به مرد و ازواج هم برای زنان بکار رفته و هم در مردان – در قرآن زوج و ازواج در گیاهان و حیوانات بکار رفته است . (فرهنگ لغات قرآن – قاموس قرآن ) پس اینکه فرموده: "أن خلق لکم من أنفسکم..." معنایش این است که برای شما از جنس خودتان زوج آفرید- هریک از مرد وزن از جهاز تناسلی دستگاهی دارند ، که این دستگاه بکار نمی افتد مگر وقتی که با دستگاه طرف مقابل جمع شود و از مجموع آندو مسئله توالد و تناسل صورت گیرد . پس هریک از آن دو در حدّ خود و فی نفسه ناقص ، و محتاج بطرف دیگر است . از مجموع آندو واحدی تام و تمام درست می شود و بخاطر همین نقص و احتیاج است که هر یک بسوی دیگری حرکت می کند و چون بدان رسید آرامش و سکونت می یابد چون هر ناقصی مشتاق به کمال است و هر محتاجی مایل بزوال حاجت و فقر خویش است و این حالت همان شبقی (شهوتی و آزمند به آرمیدن با زن) است که در هریک از این دو طرف بودیعت نهاده شده است. "وجعل بینکم مودة و رحمة" کلمۀ مودت تقریباً به معنای محبّتی است که اثرش در مقام عمل ظاهر باشد در نتیجه نسبت مودت به محبت نسبت خضوع است به خشوع –چون خضوع نیز آن خشوعی را گویند که در مقام عمل اثرش هویدا شود ، بخلاف خشوع که به معنای نوعی تأثر نفسانی است که از مشاهدۀ عظمت و کبریایی در دل پدید می آید.امّا "رحمت" این کلمه به معنای نوعی تأثیر نفسانی است که از مشاهده محرومیّت محرومی که کمالی را ندارد و یا احتیاج به رفع نقیصۀخود دارد، در دل پدید می آید و صاحبدل را وادار می کند به اینکه در مقام برآید او را از محرومیّت نجات داده ، نقیضه اش را رفع کند . یکی از روشن ترین جلوه گاه و موارد خودنمایی مودت و رحمت جامعۀ کوچک خانواده است. چون زن وشوهر در محبّت و مودّت ملازم یکدیگرند و این دو با هم و مخصوصاً زن، به فرزندان کوچکتر رحم می کند ،چون در آنها ضعف عجز مشاهده می کند و می بیند که طفل صغیرشان نمی تواند حوائج ضروری زندگی خود را تأمین کند ، لذا آن محبّت و مودّت وادارشان می کند به اینکه در حفظ و حراست و تغذیه و لباس و منزل و تربیت او بکوشند و اگر این رحمت نبود نسل بکلی منقطع می شد و هرگز نوع بشر دوام نمی یافت. آنچه از سیاق آیه برمی آید مراد به مودّت ورحمت خانوادگی است. (علامه طباطبایی- تفسیر المیزان) **حدیث:** عن رسول الله (ص) قال: " اذا جاءکم من ترضون دینه و أمانته یخطب الیکم فزوجوه ، إن لا تفعلوا تکن فتنة فی الارض و فساد کبیر" (البحار ج103 ص372) هر گاه کسی به خواستگاری نزد شما آمد و دینداری و امانتداری او را پسندیدید به او زن دهید که اگر چنین نکنید در روی زمین تبهکاری و فساد بسیار پدید آید. **ازدواج واصلاح امور- شایسته پروری :**  اسلام به روابط زوجین بسیار اهمیّت می دهد ، بهمین خاطر بزرگترین تکریم و احترام را در روابط زوجین ابراز می کند .ازدواج امری شایسته است تا امور اصلاح گردد. حضرت رسول (ص) تأکید به روابط حسنه زوجین کردند و قوانین و شریعت آنرا مقرّر فرمودند زیرا ازدواج بزرگترین و پر اهمیّت ترین مدرسه است. از دلائل شگفتی این آیه این است که خداوند از جنس خودتان برای شما جفتی آفرید که در کنارش آرامش گیرید و لطف و دوستی بین شما برقرار کرد ، همانا در این لطف و دوستی ، برای مردم خردمند و متفکر ، آیتی است از آیات بزرگ خدا. ابن عباس می گوید: مردی به حضور پیغمبر اکرم (ص) شرفیاب شد، عرض کرد: ای رسول خدا – من از کاری عجب دارم و آن این که مرد و زنی که هرگز یکدیگر را ندیده و نشناخته اند چون ازدواج کنند چنان دوست هم می شوند که فوق آن دوستی متصّور نیست . ان حضرت فرمود: این دوستی از طرف خداست که میان ایشان ایجاد می نماید و آبه فوق را تلاوت نمودند(تفسیر ابوالفتوح ج15ص249) **ازدواج بر دوقسم است:** ازدواج گاهی اصلاحی و گاهی مُصلحی است . ازدواج مُصلحی امری شایسته است برای اصلاح نفس و اشباع غریزه جنسی – ازدواج اصلاحی ، شایسته یک جامعه متدّین است برای اصلاح دین و دنیا در برابر فساد جامعه و کسی که ازدواج کند نیمی از دین خود را محکم نگه داشته است و ازدواج معنایش رفع شهوت جنسی و غریزی نیست بلکه معنای آن محکم کردن دین در جامعه است. ازدواج های حضرت رسول(ص) اصلاحی بود ، بخاطر اصلاح امّت و کثرت عاطفه بین پدر و مادران و فرزندان که قبل از ازدواج حاصل نمی شود. **ازدواج و آرامش:** قرآن کریم حیات زوجین را در آیه "روم /21"به گونه ای نیکو و شگفت آور به تصویر کشیده است . قرآن برای زوجین در این دنیایی که مملو از تناقصات و در گیریهاست تنها راهنما در راه هدایت و آرامش است.آرامشی بر اساس مودّت و محبّت و مهربانی و ممارست که پایه های فهم و شعور و عدالت را تقویت می کند.شیوۀ صحیح اسلامی در حیات زوجین موّدت و رحمت و محبّت و تفاهم طرفین است. حداوند برای زوجین حقوق و صیانتی قرار داده تا آنان از جدائی دور مانند و اگر کار به جائی رسید که آنان بخواهند از یکدیگر جدا شوند برای آنان نیز کشتی نجاتی قرار داده تا دچار امواج تهمت طرفین نباشند. **انتخاب زن:** حدیث وارد شده " کل بنی آدم خطاً" - رسول خدا(ص) فرمود: این حدیث نشان دهنده ضعف و تصریح به این است که آنچه واقع می شود از روی خطاست ، نه آن خطایی که پایه ها و کیان خانواده را بلرزاند، بلکه این نشان دهنده این است که مرد با تمایل به سوی زوجه و راهنمایی و نصیحت و پند و هدایت او ، نیاز هر دو بر طرف گردد و اگر این نیاز انکشاف نشد ، شدّت عمل دارد بر طرف مقابل ؛گرچه این شدّت عمل نباید از روی ظلم وستم باشد. "مردی نزد امام حسن مجتبی (ع) آمد و گفت: دختر خواستگاران زیاد دارد ، چه کنم ؟ حضرت فرمود: آن کس را انتخاب کن که اهل تقوی باشد ، پس اگر دختررا دوست داشته باشد گرامیش می دارد و اگر دوستش نداشته باشد به او ظلم نمی کند". خلاصه اینکه این خطا شاخص خوبی برای ارزیابی تربیت انسانهاست.تفسیر الدُّر المنثور ؛ ابن جریر از ابن عمر روایت کرد که رسول خدا(ص) فرمود": ای مردم! بخدا زنان مورد مراجعه شما هستند که آنان را به امانت خدا گرفته اید و با کلمه خدا به شما حلال شده اند و شما بر ایشان حق دارید. "قال رسول الله (ص) فرمود: " الله الله فی النساء فانهّن عوان فی ایدیکم أخذتموهن بأمانة الله و استحللتم فروجهن بکلمة الله". ......... وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۚ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا (نساء 19)- و با زنان، بطور شایسته رفتار کنید! و اگر از آنها، (بجهتی) کراهت داشتید، (فوراً تصمیم به جدایی نگیرید!) چه بسا چیزی خوشایند شما نباشد، و خداوند خیر فراوانی در آن قرار می‌دهد! اسلام به معاشرتهای متعارف اهمیّت می دهد چون جامعه اسلامی -انسانی باید بر پایه تعاون و همبستگی باشد،و بهر یک این وظیفه متوجه است که بقدر قدرت خود در رفع احتیاجات جامعه کوشش نموده و آنچه را مورد استفاده اوست کسب کند و مازاد او را در اختیار دیگران بگذارد، پس اگر با یکی از افراد اجتماع انسانی غیر از این معامله ای کنند – که در حقیقت در هم کوبیدن استقلال او در عضویت جامعه می باشد. (یعنی از او استفاده شود ولی در مقابل فائده ای به او نرسد)- خداوند متعال در قرآن مجید روشن نموده که مردم – زن و مرد – شاخه های یک ریشه هستند یعنی انسانیّت و تیره ها و انشعابهای طبیعت واحد بشریت می باشد و جامعه در بوجود آمدن خود، به این افراد محتاج است. جامعه انسانی آن روز (روزنزول قرآن مجید) مقام واقعی زن را بوی نمی داد و نمی خواست زن نیز مانند یک عضو رسمی جامعه خودنمایی کند بلکه جامعه آن روز زن را یا وجودی طفیلی جامعه بحساب می آوردند که قابل انتفاع نباشد ویا چیزی مانند انسان ناقص (دیوانگان و اطفال) با این تفاوت که هر گز روی کمال نخواهد دید و لازم می دانستند که همیشه زیر تسلط و در پیروی دیگری باشد. واین معنای "کرهتموهن" که کراهت را بخودشان نه به ازدواج با ایشان نسبت داده است .(علامه طباطبایی- المیزان) اسلام به مرد سفارش کرده که معاشرت او به نیکویی باشد، مرد باید خوش خلق و در انتخاب همسر ملاحظات را داشته باشد و بعد از ازدواج حافظ و نگهدار همسر خود باشد ، و کرامت زنش را حفظ کند و به او اهانت نکند و او را مورد ایذاء و اذیّت قرار ندهد همچنانکه می بینیم بعضی مردها این ملاحظات را ندارند. حضرت رسول (ص) فرمود: بهترین شما ! بهترین شما! برای خانواده اش است و من بهترین شما برای اهل بیت خودم هستم."قال رسول الله (ص) : خیرکم خیرکم لاهله و أنا خیر کم لأهلی. (المحجة ج3ص98) رسول خدا (ص) فرمود: بهترین و کاملترین مؤمن از نظر ایمان کسی است که حسن خلق داشته باشد و به خانواده شان کرامت و لطف داشته باشد.(همان) **خانواده خوشبخت**: نقش مرد در خانواده بسیار مهّم است . او در روش و شیوه خود نباید دیکتاتور باشد ، رضایت زوجه و تنظیم امور خانواده به صورت متعارف ، مدیریت خانواده و تحمّل مسئولیّتها با مرد است. خانواده مؤسسه ای است که تشکیل شده از پدر و مادر و اولاد ، که این مؤسسه برای ادارۀ بهتر به مدیریت أصلح نیاز دارد. این مسئولیّت بزرگ فقط بر گردن پدران است. تدبیر امور در شیوۀ پرورش و تربیت کودکان از جمله وظایف پدران است.هیچگاه تصّور نشود که این قیادت و سرپرستی استیلاء بر افراد خانواده است . نقش زن و طبیعت زن جز مهربانی و عاطفه مادری چیز دیگری نیست ولی زن قادر نیست که این مؤسسه تربیتی را به قدرت در دست بگیرد ، حتّی در اقلیّت نظارت بر امور نمی توان گفت ، زن به قول معروف هیچکاره است و یا در تربیت و نظام امور خانواده نقشی ندارد ، نه! نه! او بازوی راست تدبیر امور در مدیریت خانواده است و عضوی است که منفک از خانواده نیست و لیکن آنچه مهّم است اینکه قوام مرد بر خانواده تحت نفوذ اراده او نیست بلکه امری طبیعی است. نقش زن در این میدان یاری و همت فراوان در تهیه مقدمات پایه های زندگی سالم ودر حقیقت کشتی حیات سلامتی خانواده است. **ارکان سعادت خانواده:** سعادت خانواده بر پایه قواعدی است که خوشبختی حیات خانواده را تضمین نماید؛ و این قواعد شامل: 1- قوام مرد بر خانواده: حدّ قوام مرد بر خانواده ، شرف و بزرگی و حفظ آبروی خانواده است و استیلا و تسلّط بر خانواده نیست . تکویناً این حالت فطری است ودرعمل رسیدگی به نحو نیکو به خانواده است همچنانکه خداوند تعالی در قرآن می فرماید: الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ ۚ......(النساء 34) مردان را بر زنان تسلط و حق نگهبانی است به واسطه آن برتری که خدا برای بعضی بر بعضی مقرر داشته و هم به واسطه آنکه مردان از مال خود نفقه دهند،....قیّم کسیرا گویند که مهم کس دیگر را انجام دهد و قوّام و قیّام صیغه مبالغه آن می باشد . مراد از "مافضل الله" آن فزونی و امتیازی است که بالطبع مردان بر زنان دارند. یعنی زیادتی قوه تعقل و فروع آن مانند هماوردی و تحمل شدائد و کارهای سخت وسنگین و..... زیرا زندگانی زنان زندگانی احساسی و عاطفی است و بر نازک دلی و ظرافت مبتنی می باشد ، مراد از انفاق ، نفقه و مهریه ای است که مردان به زنان می پردازند. از عموم و توسعه علّت قیمومت مردان معلوم می شود که قیمومت منحصر و مخصوص به مورد زن و شوهر نیست بلکه دامنه آن تمام نوع مرد و زن را می گیرد، در تمام جهاتی که زندگی ، آندو را بهم پیوند داده یعنی جهات همگانی مانند حکومت ، دفاع ، قضاوت ، زیرا این جهات با مسئله تعقل که در مردان بالنسبه بیش از زنان است ارتباط و نسبت مستقیم دارد . پس " الرجال قوامون علی النساء" مطلق است . مرد قیم زن است و اطاعتش در حضور و حفظ ناموس و مالش در غیاب واجب است و روانیست که به وی در اموری که مزاحم حق مرد باشد ، آزادی داده شود مگر در واجبات که شوهر حق مزاحمت ندارد.(تفسیرالمیزان-ذیل آیه) 2- زندگی نیکو توأم با تفاهم: اسلام سفارش بسیاری کرده برای حسن معاشرت در خانواده و نیز به خوش خلقی و حسن رفتار مرد با زوجه در نفقه و اینکه از همسرش مراقبت نماید و کرامت او را حفظ نماید و اهانت و یا ایذاء و اذّیت به زوجه را نداشته باشد و زن هم که عائله اوست باید ایجاب و سلب را در زندگی با او رعایت کند . و آنچه که از او سلب شده بر آن اصرار ننماید بلکه در ایجابات توجه داشته باشد و دیگر اینکه تفاهم بین زن و شوهر از اهم شرایط است و اگر این تفاهم در کلام و شیوۀ زندگی شکسته شود حیات زوج و زوجه به مخاطره خواهد افتاد ، ولی سعی و کوشش برای ایجاد تفاهم از هر دوطرف لازم و ضروری است. اگر زن و یا شوهر نتواند با امور اصلاحی در خانواده، تفاهم را برقرار سازد، این امر خبرِ بی اطلاعی از امور شرعی و حقوق و سلوک با همدیگر یا تکبر و اجحاف و محرومیّت از مزایای آخرت، علّتی دیگر ندارد. خوب است از امروز تصمیم گیریم از این راه خیلی ساده ، سعادت دنیا و آخرت را کسب کرده ، موجب خشنودی خداوند متعال و معصومین و در نتیجه ، محبّت ، دوستی ها و انصاف را برای خود ارمغان آوریم و این اوّلین پیوند خویشاوندی است که از نظر اسلام عزیز مهّم است و باید از معصومین سرمشق گرفت. 3-احترام متقابل زوجین: اسلام به زن و مرد توصیه و سفارش کرده که برای رسیدگی به زندگی سعادتمند و حیات سعیده ، بین خودشان فضائی دلپسند از اعتماد و آزادگی و احترام متقابل برقرار سازند – در غیر اینصورت ریب وشک به آنها حاکم شده تشکیک دائمی زندگی آنها را در بر می گیرد ؛ چون اعتماد به یکدیگر مولد اعتماد دیگری است و ریب وشک به یکدیگر مولد ریب و شک دیگر است . آنچه که حیات زوجیّت را در ابتداء برهم می زند نارضایتی از یکدیگر است این نارضایتی حُب محبوب را به صورتهای گوناگون از دل می برد ولی اگر شاکلئه انسانی و شخصیت انسانی پختگی لازم را در زندگی داشته باشد سعادت در زندگی رشد و نمو خواهد کرد اگرچه که پختگی لازمه نباشد. در احادیث به اخلاق نیکو زن سفارش شده ؛ در روایتی آمده است که پیامبر اکرم از کفران نعمت زنها نسبت به نیکی های شوهر سخن به میان آورده وآن را از اخلاقیات منفی آنان بر شمرده اند ودر روایت دیگری آمده است که ممکن است ده ها سال مرد به زن خوبی کند ولی اگر یک روز قصور خدمتی از او سر بزند زن می گوید من از تو در زندگی خیری ندیدم ، واین بدترین خلق و خوی است که اسلام زن را از آن برحذر می دارد. رسول خدا(ص) فرمود:غیرتی است که خدا دوست و غیرتی هست که دوست ندارد . غیرتی که آن را دوست دارد غیرت ورزی در تهمت و بدگمانی است و غیرتی که دوست ندارد غیرت نشان دادن درجائی است که بدگمانی و تهمت در بین نباشد (کنزالعمال 7067) رسول خدا (ص) فرمود: غیرت غیرتی است که خداوند و رسولش بر آن غیرت انسان را غضب نکند وآن غیرت مرد بر خانواده اش است که بدگمانی و تهمت در بین نباشد. زیرا قرآن از سوء ظن انسان را دور داشته است "؟إن بعض الظن اثم" . پیامبر(ص) فرمود: راستی که خداوند غیرت دارد و راستی که مؤمن غیرت دارد و غیرت خداوند این است که مؤمن آنچه را که خدا حرام کرده انجام دهد. "إن الله یغار و المؤمن یغارو غیرة الله أن یاتی الرجل المؤمن ما حرّم الله علیه .." (کنزالعمال 7072-7071)

**رفع یک شبهه: آیا غیرت، همان تعصب ناپسند است؟**

1. ممکن است که گفته شود، غیرت همان تعصب است که باید در جواب بگوییم، تعصب به معنی «وابستگی غیر منطقی به چیزی» تا آنجا که انسان حق را فدای آن کند؛ که در کلامی از امام سجاد علیه السلام «تعصب و حمیت آن است که انسان، انسان های بد شهر خویش را بر انسانهای خوب دیگر شهرها ترجیح دهی (الکافی ج2 ص308 ح7) « یعنی ترجیح بد بر خوب و ملاک ترجیح، وابستگی غیر منطقی آدمی به آن. اما غیرت، وابستگی منطقی و قابل دفاع، است که نسبت به دین، ناموس، و اولاد، و تربیت آنها و ... جزء اموری است که در اسلام به محافظت از آن و ترک اهمال  نسبت به آن، بسیار توصیه شده است. پس تفاوت بین تعصب و غیرت، در وابستگی غیر منطقی و وابستگی منطقی و همچنین در نزاع حق فدای باطل و باطل فدای حق، است البته ناگفته نماند که غیرتی که محل بحث است، غیرت ناموسی است و الا غیرت دینی و غیرت ملی نیز از اقسام غیرت در جای خود، مهم است.امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد غیرت مذموم و ممدوح فرمود: کسی که بیجا غیرت به خرج دهد بر اهل خود پس تیری بد بسوی کسانی که دوست دارد انداخته است امّا غیرت مرد در محل خود ممدوح و پسندیده است. (محاضرات باب زوجین ص214) حضرت رسول (ص) از دخترگرامیشان حضرت زهرا سلام الله علیها پرسیدند : کدام چیز برای زن بهتر است؟ حضرت فرمود: اینکه مردی اورا نبیند و او هم مردی را نبیند! حضرت رسول(ص) فرمود: فاطمه پاره تن من است ! منظور از این حدیث ، احیاء شخصیّت زن و حفظ کرامت زن است – اسلام به زن مانند مرد استقلال اقتصادی داده است –اسلام برای زن همانند مرد حقوق اجتماعی قائل است.زن مانند مرد می تواند با رعایت قوانین و مقررات اسلامی در فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و فرهنگی شرکت کند. شهید مطّهری می گوید: بعضی فکر می کنند آنچه موجب فلج کردن نیروی زن و حبس استعداد های اوست حجاب است آنها حجاب را زندانی کردن زن و محروم ساختن او از فعالیّتها می دانند در صورتیکه چنین چیزی در اسلام وجود ندارد . آنچه موجب فلج کردن نیروی اجتماع است آلوده کردن محیط کار به لذّت جویی های شهوانی است.از این رو فاطمه سلام الله علیها می گوید ؛ صلاح زن در این است که طوری زندگی نماید که نه مردان بیگانه را ببیند و نه چشم بیگانگان بدان بیفتد والاّ خود فاطمه سلام الله علیها در متن مسائل سیاسی اجتماعی قرار داشت و همواره از حق و اسلام و اهل بیت دفاع می کرد. این سخن فاطمه سلام الله علیها بهترین الگو برای دنیای امروز است.آنچه که این سخن در بردارد : 1- تأمین سلامت و بهداشت معنوی جامعه 2-رشد و استقلال و خودکفایی جامعه زنان و دور بودن از نامحرم به معنای گوشه نشینی نیست بلکه فعالیّت و تلاش علمی و عملی و رسیدن به خود کفایی هاست و این بهترین عامل رشد جامعه زنان است. 4- الاهتمام و عدم الاهمال -اهمیّت دادن به زوجه و عدم سهل انگاری در وظایف: اسلام به رعایت حال زنان بسیار سفارش کرده است و گفته: او را علم بیاموزید و از هرسهل انگاری در مورد او برحذر باشید. اسلام می گوید: در اوقات مناسب کلمات مناسب را بر زوجه روا دارید و از آنچه که اشتباه و خطا و انگیزه های ناسالم (برخورد های تند) ناشی از گناهان صغیره و کبیره دوری و اجتناب نمایید. آنچه که حائز اهمیّت است اینکه در حق زوجه اهمال وسستی بخرج ندهید زیرا که او متوجه عمل توست و عمل تو نشان دهنده غیرت توست دیگر اینکه زوجه را وسیله انزال شهوت خود قرار مده . همانا برای زنان دو وصف است یکی وصف عاطفی و دیگر وصف شهوتی و برای زن تنها رفع نیازهای شهوانی نیست بلکه باید گفت: زن یک انسان کامل است که برای او عواطف و عشق و دوست داشتن و احساسات مهم است،و توجه به این مورد علاقمندی بین زوج و زوجه را ایجاد می کند و این علاقمندی بین همسران بقاء و سعادت حیات آنها را تضمین می نماید. 5- اظهار عشق و دوستی و مجنونی: واقعاً زن ریحانه است ! او صاحب نشاط و کلام با او باید مهرورزی باشد . عشق و علاقه خود را بر او اظهار کن با کلامی شیرین و پر از مهر برخواسته از قلب ووجود پر از عشق تو ؛ ای کلام است" أنّی أُحِبُّک" من به تو عشق می ورزم – اگر با تمام وجود بیان گردد ، نفس وجودی زن را فریفته خود می سازد. حضرت رسول(ص) فرمود: این سخن مرد به زن که "دوستت دارم " هرگز از دل زن بیرون نرود(کافی5/56/59/ص510وص567/50) "قول الرجل للمرأة أنّی أحبک لایذهب من قلبها ابداً" - حضرت رسول (ص) فرمود: کلمّا ازداد المرء ایماناً ازداد حباباً بالنساء – هرچه شخص ایمانش بیشتر باشد حبّ او به زنان بیشتر است .پیامبر(ص) فرمود: کسی که اخلاق انبیاء را دارد زنان را دوست دارد) "من اخلاق الانبیاء حب النساء " - (وسائل السیعه ح14 ص9 سفینه البحار ج2 ص586) دیگر اینکه حضرت فرمود: هریک از شما بر اهل خود همچون چهارپایان وارد نشود.! پس کسی سؤال کرد و حضرت در پاسخ فرمود: با بوسه و کلام شیرین! زمانیکه نزاع و جدال بین تو و همسرت در اثناء روز اتفاق افتاد پس فکر نکن این نزاع در روز بعد هم استمرار دارد ؛ چون آنچه آسیبها را از بین می برد فراش در شب است ، فراش در شب حد فاصله ایام نزاع است که جنجالها را می خواباند . با این فراش شخص تجدید قوی می کند برزندگی پر از عشق و ومحبّت و گرمی ، در نتیجه آنچه که در روزهای قبل به سبب ناملایمات و جهل رخ داده محو و نابود می شود. درمان هر دردی در محبّت و عشق و دوستی و مهربانی وصفا وصمیمیت است . تعریف دقیقی از غرائز در دست نیست از این رو بخوبی روشن نمی شود که آیا عامل جمیع رفتار های انسانی غرائز است یا خیر؟ غرائز و تمایلات آن بسیار زودتر از فطریات ظهور می کند و فعلیّت آنها نیازمند تلاش و کوشش آدمی نیست در حالیکه فطریات به صورت توان و قوه است و شکوفایی آنها شدیداً به سعی و همت انسان نیاز دارد. فطرت بر اساس محبّت خداوند آفریده شده در حدیث قدسی است" کنتُ کنزاً مخفیاً فأحببتُ أن أُعرف فخلقتُ الخلق لکی أُعرف " من گنجی پنهان بودم دوست داشتم که شناخته گردم از این رو انسان را آفریدم تا شناخته شوم." (بحار الانوار ج78ص119ح6) محبّت خواهی دیگر از گرایشهای ذاتی و مهّم آدمی است که ازغریزه لذّت دوستی سرچشمه می گیرد. بخش قابل توجهی از نیازهای روحی انسان در سایه همین غریزه تأمین می گردد . مهر و محبّت از نیازهای طبیعی و ذاتی انسان است که در تأمین سلامت روحی و حتّی جسمی آدمی نقش به سزائی ایفا می نماید. آمیزش خواهی یکی از کششهای مهم نفس آدمی است که ریشه در غریزه لذّت جویی دارد و دارای قدرت محرکه ای است بسیار قوی و از کششی فوق العاده نیرومند برخوردار است و مانند سایر گرایشهای ذاتی نفس منشاء بروز برخی از رفتارهای آدمی است.وجود زن پر از غرائز محبّتی است و در ضمن یک زن همیشه مایل است که از طرف همسرش که همسری شجاع و قوی الاراده و تصمیم گیرنده اس مورد حمایت و لطف و مهربانی قرار گیرد. همین حمایتها و پشتیبانی مرد از همسرش محبّت را افزایش می دهد . مردی به امام صادق(ع)عرض کرد: چرا زنانی بر مردان رشک می برند و او را اذیّت می کنند ؟ حضرت فرمود: این از عشق و محبّت است (وسایل الشیعه ج7ص111)
اموری که به سفارش اسلام بین همسران (مرد و زن) گرایش اصولی و بنیادی ایجاد می کند: عبارتند از : 1- نکوهش غیرت ورزی و تعصّب بی جا: "ایّاک و التغایر فی غیر موضع غیرة فان ذلک یدعوا الصحیحه الی السقم و الریبه الی البریئة الی الریب" (نهج البلاغه- نامه 31)- بر حذر باش از این که در جایی که نباید غیرت به خرج دهی ، اظهار غیرت کنی و کار به سوءظن ناروا بینجامد زیرا این غیرت بی جا و سوءظن نادرست زن پاکدامن را به ناپاکی وبی گناه را به آلودگی ها سوق می دهد. خداوند تعالی نوعی از غیرت را دوست دارد و نوعی را دشمن می دارد امّا آنچه را دوست دارد إعمال غیرت در مواردی است که آثار شک و تردید و انحراف نمایان می شود و امّا غیرتی را که خدا دشمن می دارد آن است که در غیر این موارد فقط با سوءظن آمیخته به وسواس انجام می شود. (ایت الله مکارم شیرازی) 2- آنچه که فوق طاقت است تحمیل به انسان نشده است!همانا زن شریک زندگی است و خادمه منزل مرد نیست ،پس امر ازدواج معامله نیست که زن را خادمه فرض نمایی و یا اینکه بر او تحمیل کنی آنچه را که فوق طاقتش است. مردانگی این نیست که زندگی را تحت سیطره خود بگیرید و فوق طاقت زنان ، امور را بر او تحمیل نمایی. امام علی علیه السلام فرمود: همانا زن ریحانه است و نه پیشکار ، پس در همه حال با او مدارا کن و با وی به خوبی همنشینی نما تا زندگی ات با صفا شود. (مکارم الاخلاق ص218- من لایحضره الفقیه ج3ص556ح4911) "...فان المرأة ریحانه و لیست بقهرمانه فدارها علی کل حال وأحسن الصحبة لها فیصفو عیشک"- 3-حق زن را ادا کنید و در آن سستی جایز نیست -خوراک و پوشاک و مسکن و احترام به زن و پرداخت حقوق واجب او بر عهدۀ مرد است و مرد دراین مورد نباید کوتاهی نماید. مرد باید در انجام وظایف شرعی خود نسبت به همسرش مُصِرباشد . حضرت رسول(ص) فرمود: در پاسخ به سؤال زنی که پرسید : حق من بر همسرم چیست ؟ حضرت فرمود: حق تو بر همسرت؛ این است که تو را اطعام کند از آنچه که می خورد و تو را بپوشاند از آنچه می پوشد و لطمه به تو نزند و روی درهم نکند که همانا خداوند خشم و غضب می کند بر زن همچنانکه برای یتیم به خشم و غضب می آید. 4- هدیه دادن به همسر- در مقاطع گوناگون برای اظهار محبّت به همسر هدایایی را تهیه نمایید که این هدایا بذر محبّت را در قلب می کارد هر چند چیزی جزیی و ساده باشد. حضرت رسول(ص) فرمود: "تهادوا تحابوا" به یکدیگر هدیه دهید تا نسبت به همدیگر با محبّت شوید. حضرت رسول(ص) فرمود: " الهدیة تذهب الضغائن من الصّدور"- هدیه دادن ، کینه ها را از سینه ها مبرد. (عیون اللاخبار الرضا 333/74/2) 5-آراستگی و بوی خوش برای زن: همچنانکه دوست دارید همسرتان در ملاقا ت با تو آراسته و زیبا جلوه کند تو نیز خود را مهیا ساز و آراسته کن تا زیبا و شگفت انگیز به نظر آیی.امام علی علیه السلام فرمود: آراستگی بر عفت زنان می افزاید ، زنان ترک عفت کرده اند چون شوهرانشان آراستگی را ترک نموده اند؛ و در ادامه فرمود: اگر آراسته نباشی آیا خوش داری که همسرت را نیز مانند خودت ببینی ! همانا از اخلاق انبیاء نظافت و پاکیزگی و کوتاهی مو، و سرپرست زنان متعدد بودن –(وسایل الشیعه ج7ص183) سفارش به زنان: از سفارشات اسلام به زنان در گرایش به سمت همسر: آئین همسرداری برای بانوان : 1- همسرتان را وادار نکنید به آنچه در توانش نیست انجام دهد – همسرتان را به خاطر زینت زندگی و مباهات به دیگران و مشابه آن وادار به پرداخت دیون نکنید . پیامبر(ص) فرمود: هر زنی که نسبت به زوج خود مهربانی نداشته باشد و از او درخواست دنیایی داشته باشد که در توانایی مرد نباشد، خداوند هیچ حسنه ای را از او قبول نمی کند و خداوند را در حالی که غضبناک است ملاقات خواهد کرد (وسائل الشیعه ج7ص154) در مشگلات و سختیهای زندگی ، حتی المقدور با او سازش و او را مساعدت نمایید زیرا زندگی فراز و نشیب فراوانی دارد ، گاهی انسان را فقیر و گاهی غنی وگاهی احساس خوشبختی و گاهی برعکس ، همانطوری که مرد موظف است در تمام این حالات ، نسبت به همسرش وفادار باشد ، زن نیز موظف است بر پیمان خود استوار بوده با گرم و سرد زندگی شوهر سازگار باشد. 2-احترام متقابل: آنچه که حائل بین زن و مرد است احترام می باشد. مراقبت از اینکه غروری از طرف هریک از زوجین ، جراحتی هر چند اندک بر محفل پرصفای آنها وارد نکند. غرور سبب نشود که هریک از زوجین در برخورد با دیگران همسرش را مسخره کند و یا اینکه براحتی اسرار زندگی خود را در اختیار دیگران قرار دهد. 3- بی حیایی در مسائل جنسی: بین همسران آنچه جائز است بی حیایی در مسائل جنسی است و هیچ چیز نباید مانع این لذّت جنسی باشد. حضرت رسول (ص) فرمود: بهترین زنانتان ، زاینده – دوست دارنده- با حجاب- پاکدامن- این زن در خانواده اش عزیزه است . در روابط با زوجش متواضع و فروتن و برای همسر خودنما ، هر گاه با همسر خلوت نماید ، بذل می کند آنچه را که اراده کرده باشد. (سفینة البحار ج2ص586) امام صادق(ع) فرمود: بهترین زنان شما کسانی هستند که هنگامی که با همسران خود خلوت می کنند لباس حیا را کنار می گذارند (وسائل الشیعه ج7ص65) 4- هیچوقت در مقام مقایسه زوجت با نزدیکان خود از قبیل خواهر و مادر نباشید که این عواقب خوبی را بدنبال ندارد. 5- سعی نکنید که عادت پسندیده خود را که نتیجه ای مثبت در زندگی شما داشته رها کنید. 6- زیبائیت را از همسرت دریغ مکن – زینت زن برای همسرش امری ضروری است . حیات زندگی زوجین نیازمند آراستگی است – آراستگی بوسیله عطر زدن و پوشیدن جامه زیبا و رفتاری گرم و اخلاق نیکو از طرفین- زنی از پیامبر(ص) سوال کرد:حقوق همسران بر یکدیگر چگونه است؟ رسول خدا (ص) فرمود: آراستگی آندو در مقابل یکدیگر – بوی خوش رابطه قلبی را در طرفین تقویت می کند. پوشش با زیباترین لباس – مزین شدن به بهترین زینت ها- بلند کردن ناخنها در زنان و کوتاهی ناخن در مردها- آراستن مو– استفاده از زیور آلات در زنان- برای رفع نیاز جنسی همسر ،صبح و شام آماده بودن. (وسائل الشیعه ج7 ص122) از مهمترین سفارشات به زن: 1- احترام به همسر در حضور دیگران 2- تعاون و همکاری در امورمالی با همسر در برطرف کردن مشگلات اقتصادی – در خرج کردن اسراف نکند- 3- همیشه به استقبال همسر برود همانگونه که وقتی مهمانی وارد خانه می شود از جایش بلند می شود. در آداب اسلامی و ایرانی رسم براین است که هنگام ورود و خروج ، زن به احترام مرد و همچنین مرد به احترام زن بایستد. 4- به سخنان همسر گوش دل بسپارد همچنانکه دوست دارد، او بر شما گوش دل بسپارد. 5- زن بجایی نرود که همسرش راضی نیست – زن بدون اذن شوهر از خانه خارج نشود . زنی از رسول خدا(ص) از حق مرد برزن پرسید؟ حضرت فرمود: حق مرد برزن این است از خانه او بدون اذن او خارج نشود. روزهای متوالی را بدون اذن او روزه نگیرد. از خانه او چیزی بدون اذن او خارج نکند. (مکارم الاخلاق ص218) 6- زن همیشه مستعد و آماده باشد برای رفع نیازهای جنسی مرد ، اگر به این امر توجه نشود روابط سردی بین آنها حاکم خواهد شد. 7- خدمت به همسر جهاد زن است و خدمت مرد به زن بدون پاداش نیست و خداوند برای او خیر دنیا و آخرت را می خواهد. (البحار 104 /132/1) 8- هدیه دادن به یکدیگر درخانواده –این خدمت از اسباب زندگی است که ایجاد محبّت و عشق می کند وثواب زیادی نزد خداوند تعالی دارد. (همان) امام صادق علیه السلام فرمود: زن صالح بهتر از هزار مرد غیر صالح است. هر زنی که هفت روز شوهرش را خدمت کند ، خداوند هفت دَر دوزخ را به روی او ببندد و هشت در بهشت را به رویش بگشاید تا از هر در که خواهد وارد شود.(وسائل الشیعه ج7ص7) پیامبر(ص) فرمود: هیچ زنی نیست که جرعه ای آب به شوهرش بنوشاند مگر آن که این عمل او برایش بهتر از یکسال باشد که روزهایش را روزه بگیرد و شبهایش را به عبادت سپری کند. (ارشاد القلوب 175) 8- جدال نکنید با زنی که خوار و ذلیل است زمانی که وعده ای داشته اید و او به آن توجه نکرده است. **زن غیرصالح ونا شایست-** پیامبر(ص) فرمود: پناه می برم به تو از زنی که پیش از آنکه پیری ام فرا رسد مرا پیر کند. (الکافی 5/326/3) امام صادق علیه السلام از قول رسول خدا(ص) فرمود: هر که از زن خود فرمان برد خداوند او را در آتش افکند – پرسیدند : منظور از فرمان بردن چیست ؟ فرمود: لباسهای نازک از او در خواست کند و مرد بپذیرد . (البحار103/224/4وص228/27) **همسر شایسته** : پیامبر (ص) فرمود: مؤمن بعد از تقوی خدای عزّوّجل بهره ای بهتر از زن شایسته نبرده است. – "یک زن شایسته بهتر از هزار مرد ناشایست است " (ارشاد القلوب 175) امام باقرعلیه السلام فرمود:بندۀ مؤمن سودی بهترازهمسر شایسته به چنگ نیاورده است همسری که شوهرش با دیدن او خوشحال شود وهرگاه از وی دور شود در غیابش نگهبان خود و اموال او باشد. (البحار 103/222/37/39/ص217/2)

والسلام علی من اتبع الهدی